

Journal of research in Persian
language and literature education



The Effect of Analytical Teaching of Contemporary Short Persian Poems (Works of Houshang Ebtehaj) on Students' Critical Thinking and Writing Skills: A Quasi-Experimental Study

A. Kamalinahad ^{*1}, N. Eftekhar Ardebili ²

1. Member of the Faculty of Farhangian University of Tehran
(Corresponding Author)
2. Tehran Secretary of Education

ABSTRACT

Keywords

Analytical Teaching of Poetry,
Analytical Writing,
Contemporary Short Poetry,
Critical Thinking,
Houshang Ebtehaj.

1. Corresponding author
alikamali@cfu.ac.ir

The present study aimed to examine the effect of analytical instruction of contemporary Persian short poems on improving critical thinking and writing skills among eleventh-grade female students. The instruction was implemented over six sessions with an emphasis on conceptual, linguistic, and imagery-based analysis of poems by Houshang Ebtehaj. The research employed a quasi-experimental design with a pretest-posttest control group. The statistical population consisted of eleventh-grade students from a public high school, and 40 female students were selected through convenience sampling. Data were analyzed using paired-samples t tests, independent-samples t tests, and effect size indices. The findings showed that the mean scores of critical thinking and writing skills in the experimental group significantly increased compared with both the pretest and the control group ($p < 0.001$). The eta squared values were 0.997 for critical thinking and 0.956 for writing skills, indicating a very large effect of the intervention. Overall, the results suggest that analytical instruction of short poems can serve as an effective approach for enhancing students' cognitive abilities and writing skills; however, further studies with larger samples are recommended to increase the generalizability of the findings.

Received: 1404/11/20

Reviewed: 1405/02/01

Accepted: 1405/02/25

PP: 14

Citation (APA): Kamalinahad, A. and Eftekhar Ardebili, N. (2026). The Effect of Analytical Teaching of Contemporary Persian Short Poems on Students' Critical Thinking and Writing Skills: A Case Study of Houshang Ebtehaj's Works. *Research in Teaching Persian Language and Literature*, 7 (2), 63 - 76 .

 <https://doi.org/10.48310/rplp.2026.22333.1314>



بررسی تأثیر تدریس تحلیلی شعرهای کوتاه معاصر فارسی (آثار هوشنگ ابتهاج) بر مهارت‌های تفکر انتقادی و نوشتاری دانش‌آموزان؛ یک پژوهش نیمه‌آزمایشی

مقاله پژوهشی

علی اکبر کمالی نهاد^{۱*}، ندا افتخار اردبیلی^۲

۱. عضو هیئت علمی گروه آموزش زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه فرهنگیان، صندوق پستی ۸۸۸-۵۶۴۴۱ تهران، ایران. (نویسنده مسئول)

۲. دبیر آموزش و پرورش تهران.

چکیده

هدف پژوهش حاضر بررسی تأثیر آموزش تحلیلی شعرهای کوتاه معاصر فارسی بر تقویت مهارت تفکر انتقادی و مهارت نوشتاری دانش‌آموزان دختر پایه یازدهم بود. این آموزش طی شش جلسه و با تأکید بر تحلیل مفهومی، زبانی و تصویری شعرهای هوشنگ ابتهاج اجرا شد. پژوهش به روش نیمه‌آزمایشی با طرح پیش‌آزمون - پس‌آزمون با گروه کنترل انجام گرفت. جامعه آماری شامل دانش‌آموزان پایه یازدهم یک دبیرستان دولتی بود و ۴۰ دانش‌آموز دختر به‌صورت نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شدند. برای تحلیل داده‌ها از آزمون‌های t وابسته و t مستقل و شاخص‌های اندازه اثر استفاده شد. یافته‌ها نشان داد میانگین نمرات تفکر انتقادی و مهارت نوشتاری در گروه آزمایش نسبت به پیش‌آزمون و نیز نسبت به گروه کنترل به‌طور معنی‌داری افزایش یافته است ($p < 0.001$). مقدار مجذور اتا برای تفکر انتقادی ۰/۹۹۷ و برای مهارت نوشتاری ۰/۹۵۶ بود که نشان‌دهنده اثر بسیار چشمگیر مداخله است. به‌طور کلی نتایج بیان می‌کند آموزش تحلیلی شعرهای کوتاه می‌تواند رویکردی مؤثر در ارتقای توانایی‌های شناختی و مهارت‌های نوشتاری دانش‌آموزان باشد؛ هرچند انجام پژوهش‌های بیشتر با نمونه‌های بزرگ‌تر برای افزایش قابلیت تعمیم توصیه می‌شود.

<https://doi.org/10.48310/rpllp.2026.22333.1314>

واژه‌های کلیدی:

تدریس تحلیلی شعر،
تفکر انتقادی،
شعر کوتاه معاصر،
نوشتار تحلیلی،
هوشنگ ابتهاج.

۱. نویسنده مسئول

alikamali@cfu.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۱۱/۲۰

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۵/۰۲/۰۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۵/۰۲/۲۵

شماره صفحات: ۱۴



COPYRIGHTS

©2026 The author(s). This is an open access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution (CC BY 4.0), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, as long as the original authors and source are cited. No permission is required from the authors or the publishers.

مقدمه

در دهه‌های اخیر، نقش آموزش ادبیات در ارتقای مهارت‌های شناختی از جمله تفکر انتقادی و نیز تقویت قابلیت‌های اجتماعی دانش‌آموزان، به‌گونه‌ای فزاینده مورد توجه نظام‌های آموزشی قرار گرفته است (عزیزی و همکاران، ۱۴۰۱؛ زکریا و همکاران، ۱۴۰۴؛ عایشه و همکاران، ۲۰۱۹). رویکردهای نوین تعلیم و تربیت، ادبیات را نه مجموعه‌ای از متون برای یادسپاری، بلکه عرصه‌ای برای تأمل، پرسشگری، تفسیر و تولید معانی چندلایه تلقی می‌کنند (بروکفید، ۲۰۲۰؛ سیاردیلو، ۲۰۰۴؛ مک‌لاکلین و دویگند، ۲۰۱۱؛ دلیلیگکا و کالفوگلو، ۲۰۲۲). بر اساس سند تحول بنیادین آموزش و پرورش جمهوری اسلامی ایران، تربیت دانش‌آموزانی دارای «توانایی تفکر، تحلیل و داوری» و برخوردار از رفتار سنجیده و مبتنی بر استدلال، از اهداف محوری نظام آموزشی محسوب می‌شود (سند تحول بنیادین آموزش و پرورش، ۱۳۹۰). افزون بر این، توسعه مهارت‌های نوشتاری - به‌ویژه توانایی تولید متون تحلیلی و انتقادی - یکی از ارکان اساسی برنامه درسی زبان و ادبیات فارسی به شمار می‌آید (فلاحی و کمالی‌نهاد، ۱۴۰۰؛ ریگی‌کوته و الهی، ۲۰۱۸). با وجود این، شواهد پژوهشی نشان می‌دهد که روش‌های سنتی تدریس ادبیات در تقویت این توانمندی‌ها کارآمدی کافی نداشته‌اند و همین امر ضرورت بهره‌گیری از رویکردهای نوین و فعال در آموزش ادبیات را برجسته می‌سازد (گوهرزادگان، ۱۴۰۴؛ نقوی آزاد و حمیدی، ۱۴۰۴؛ علیزاده، ۱۴۰۳).

با وجود ظرفیت‌های گسترده شعر معاصر در تقویت مهارت‌های تفکر انتقادی و نوشتاری، پژوهش‌های اندکی در ایران به‌صورت تجربی به بررسی اثرات تدریس شعر بر این مهارت‌ها پرداخته‌اند (گوهرزادگان، ۱۴۰۴؛ نقوی آزاد و حمیدی، ۱۴۰۴؛ جبری و باقری فارسانی، ۱۳۹۳؛ رحمانیان و ثابت‌زاده، ۱۴۰۱). بخش عمده مطالعات موجود بر نقش داستان یا متون غیرادبی در آموزش تفکر انتقادی متمرکز بوده و به شعر کوتاه معاصر - به‌ویژه در قالب مطالعه موردی آثار یک شاعر مشخص - توجه کمتری شده است. افزون بر این، در بسیاری از پژوهش‌های پیشین، تدریس شعر عمدتاً به شیوه‌های سنتی، مانند توضیح معلم‌محور و طرح پرسش‌های مبتنی بر درک مطلب، محدود مانده و از رویکردهایی همچون گفت‌وگوی انتقادی، پرسشگری سقراطی، معناکاوی و تولید نوشتار تحلیلی کمتر استفاده شده است (بروکفید، ۲۰۲۰؛ گوهرزادگان، ۱۴۰۴؛ نقوی آزاد و حمیدی، ۱۴۰۴؛ علیزاده، ۱۴۰۳). این خلأ پژوهشی ضرورت انجام مطالعه‌ای را برجسته می‌سازد که تأثیر تدریس تحلیلی شعرهای کوتاه را بر مهارت‌های شناختی و نوشتاری دانش‌آموزان بررسی کند.

در این چارچوب، پژوهش حاضر شعرهای کوتاه هوشنگ ابتهاج (سایه) را به‌عنوان مطالعه‌ای موردی در آموزش ادبیات برگزیده است تا اثر به‌کارگیری رویکرد تدریس تحلیلی شعر در محیط کلاس درس بررسی شود. انتخاب شعرهای او بر چند مبنا استوار است (جبری و باقری فارسانی، ۱۳۹۳؛ رحمانیان و ثابت‌زاده، ۱۴۰۱): نخست آن‌که این آثار از نظر ایجاز، تصویرسازی و قابلیت تفسیر چندلایه برای استفاده در موقعیت‌های آموزشی کاملاً مناسب‌اند. دوم آن‌که زبان نسبتاً ساده و روان این شعرها موجب می‌شود دانش‌آموزان بدون مواجهه با پیچیدگی‌های زبانی، توجه خود را بر فهم معنا و پیام شعر متمرکز سازند؛ عاملی که می‌تواند به تقویت توانایی تفکر تحلیلی آنان یاری رساند. افزون بر این، بسیاری از شعرهای ابتهاج دارای مضامین انسانی، اجتماعی و اخلاقی هستند و به‌طور بالقوه می‌توانند زمینه مناسبی برای شکل‌گیری گفت‌وگوی انتقادی و تولید نوشتار تحلیلی در کلاس فراهم آورند (روزبهرانی و همکاران، ۱۳۹۶).

در این چارچوب، پژوهش حاضر می‌کوشد به پرسش اصلی پاسخ دهد که آیا تدریس تحلیلی شعرهای کوتاه معاصر فارسی، با تمرکز بر آثار هوشنگ ابتهاج، می‌تواند در تقویت مهارت‌های تفکر انتقادی و نوشتاری دانش‌آموزان نقش مؤثری ایفا کند. برای بررسی این موضوع، از طرح نیمه‌تجربی پیش‌آزمون - پس‌آزمون با گروه کنترل استفاده شده است تا اثر مداخله آموزشی به‌صورت عینی و قابل سنجش ارزیابی شود. مبانی نظری و پیشینه پژوهش نشان می‌دهد که آموزش هدفمند و مشارکتی شعرهای کوتاه می‌تواند از طریق ارتقای مشارکت فکری، تعمیق فرایند خواندن و تقویت توان تحلیل و استدلال، به توسعه توانایی‌های شناختی دانش‌آموزان یاری رساند.

اهمیت این پژوهش برای نظام آموزش و پرورش، و به‌ویژه دانشگاه فرهنگیان، از چند جهت قابل اعتناست. نخست آنکه نتایج آن می‌تواند الگویی کاربردی برای معلمان زبان و ادبیات فارسی فراهم آورد تا از شعر به‌عنوان ابزاری آموزشی برای پرورش مهارت‌های شناختی و تفکر انتقادی بهره‌گیرند. دوم آنکه یافته‌ها می‌تواند پشتوانه‌ای علمی برای برنامه‌ریزان درسی در جهت تقویت رویکردهای تفکرمحور و طراحی بسته‌های آموزشی و دوره‌های توانمندسازی معلمان ایجاد کند. سوم آنکه این پژوهش می‌تواند گامی در راستای گذار از آموزش حافظه‌محور به آموزش اندیشه‌محور در کلاس‌های ادبیات فارسی به شمار آید.

تفکر انتقادی، به‌عنوان یکی از مهارت‌های اساسی در آموزش معاصر، نقشی تعیین‌کننده در یادگیری عمیق و تصمیم‌گیری آگاهانه ایفا می‌کند. پژوهش‌های داخلی نیز بر ضرورت تقویت این مهارت در ارتقای کیفیت آموزشی در نظام تحصیلی ایران تأکید کرده‌اند (یوسفی‌فولادی و همکاران، ۱۴۰۲). از این‌رو، توجه به راهبردهای آموزشی مؤثر در پرورش تفکر انتقادی ضرورتی انکارناپذیر به نظر می‌رسد.

بر این مبنا، پژوهش حاضر با هدف بررسی تأثیر اجرای رویکرد تدریس تحلیلی شعر کوتاه معاصر - با تأکید بر اشعار هوشنگ ابتهاج - بر توانمندی‌های تفکر انتقادی و مهارت نوشتاری دانش‌آموزان انجام شده است.

مبانی نظری و پیشینه پژوهش

۱) آموزش ادبیات، رویکرد تحلیلی و مبانی سازنده‌گرایی

این پژوهش با اتخاذ رویکرد سازنده‌گرایی به‌عنوان چارچوب نظری، به بررسی ظرفیت‌های تدریس تحلیلی شعر کوتاه معاصر می‌پردازد. بر اساس نظریه سازنده‌گرایی، یادگیری فرایندی فعال و تعاملی است که در آن یادگیرنده با تکیه بر تجارب پیشین و تعامل با محیط آموزشی، به ساخت معنا می‌پردازد (ویگوتسکی، ۱۹۷۸). در این چارچوب، آموزش ادبیات نیز می‌بایست از رویکردهای حافظه‌محور و انتقال یک‌سویه معنا فاصله بگیرد و با درگیر ساختن فعال دانش‌آموز در فرایند تحلیل متن، زمینه شکل‌گیری معنای شخصی و پرورش تفکر انتقادی را فراهم آورد (بروکفید، ۲۰۲۰؛ مک‌لاکلین و دوینگد، ۲۰۱۱).

آموزش ادبیات فارسی در نظام آموزشی ایران، به‌ویژه در دوره متوسطه، با چالش‌هایی همچون غلبه حافظه‌محوری، تأکید بر انتقال مستقیم معنا و کم‌رنگ بودن مشارکت فعال دانش‌آموزان مواجه بوده است. در چنین رویکردی، متن ادبی غالباً به‌عنوان محتوایی از پیش تفسیرشده ارائه می‌شود و فرصت محدودی برای پرسشگری، تأویل و قضاوت انتقادی باقی می‌ماند (گوهرزادگان، ۱۴۰۴؛ نقوی آزاد و حمیدی، ۱۴۰۴). این در حالی است که اسناد بالادستی و اهداف مصوب آموزش ادبیات بر پرورش تفکر، تقویت توان تحلیل و توسعه مهارت‌های زبانی و نوشتاری دانش‌آموزان تأکید دارند (سند تحول بنیادین آموزش و پرورش، ۱۳۹۰؛ سند برنامه درسی ملی، ۱۳۹۰).

در پاسخ به این چالش‌ها، رویکرد «تدریس تحلیلی» به‌عنوان یکی از الگوهای نوین آموزش ادبیات مطرح شده است. این الگو بر مشارکت فعال یادگیرنده در فرایند فهم متن، طرح پرسش‌های باز، واکاوی لایه‌های معنایی و ارزیابی دیدگاه‌های متنوع استوار است (بروکفید، ۲۰۲۰؛ سیاردیلو، ۲۰۰۴؛ مک‌لاکلین و دوینگد، ۲۰۱۱). تدریس تحلیلی با اصول نظریه سازنده‌گرایی هم‌راستا است؛ زیرا یادگیری را نتیجه تعامل دانش‌آموز با متن، معلم و همسالان می‌داند، نه صرفاً دریافت منفعلانه معنا. در این چارچوب، معلم نقش تسهیل‌گر را بر عهده دارد و دانش‌آموزان از طریق گفت‌وگو، استدلال و نگارش تحلیلی به بازسازی و تفسیر معنا می‌پردازند (بروکفید، ۲۰۲۰؛ مک‌لاکلین و دوینگد، ۲۰۱۱).

شواهد پژوهشی نشان می‌دهد که تدریس تحلیلی متون ادبی می‌تواند زمینه‌ساز رشد مهارت‌های شناختی سطح بالا، از جمله تحلیل، تفسیر، استدلال و قضاوت انتقادی شود و پیوندی مؤثر میان خواندن انتقادی و نوشتن تحلیلی برقرار سازد (عزیزی و همکاران، ۱۴۰۱؛ زکریا و همکاران، ۱۴۰۴؛ عایشه و همکاران، ۲۰۱۹؛ دلیلیگکا و کالفوگلو، ۲۰۲۲). این امر در پرورش تفکر انتقادی اهمیت ویژه‌ای دارد؛ زیرا دانش‌آموزان را ترغیب می‌کند تا فراتر از سطح ظاهری متن حرکت کرده و به سنجش شواهد، ارزیابی استدلال‌ها و شکل‌دهی دیدگاه‌های مستدل بپردازند. افزون بر

این، تمرین مستمر نوشتن تحلیلی مبتنی بر چنین خوانشی می‌تواند به تقویت مهارت‌های نوشتاری دانش‌آموزان کمک کند (فلاحی و کمالی‌نهاد، ۱۴۰۰؛ ریگی‌کوته و الهی، ۲۰۱۸؛ بروکهارت، ۲۰۱۳).

۲) شعر کوتاه معاصر (از جمله آثار ابتهاج) و پرورش تفکر انتقادی

شعر کوتاه معاصر فارسی، از جمله آثار شاعری برجسته همچون هوشنگ ابتهاج، به دلیل ساختار فشرده، زبان ایجازمند و چندلایه بودن معنا، ظرفیت قابل توجهی برای فعالیت‌های تحلیلی در فرایند آموزش ادبیات دارد (روزبهرانی و همکاران، ۱۳۹۶). در مقایسه با متون طولانی یا شعرهای کلاسیک پیچیده، شعر کوتاه این امکان را فراهم می‌آورد که دانش‌آموزان در زمانی محدود بر یک متن کامل متمرکز شوند و ابعاد زبانی، تصویری و مفهومی آن را به صورت نظام‌مند واکاوی کنند (عزیزی و همکاران، ۱۴۰۱؛ بروکفید، ۲۰۲۰). چنین تمرکزی فرایندی فعال را رقم می‌زند که در آن یادگیرنده نه دریافت‌کننده منفعل معنا، بلکه سازنده آن از طریق تعامل با متن و واکاوی لایه‌های ضمنی است. همین ویژگی‌ها شعر کوتاه را به ابزاری کارآمد برای اجرای رویکرد تدریس تحلیلی در محیط مدرسه تبدیل می‌کند.

از منظر تربیتی، مواجهه با شعر کوتاه معاصر، دانش‌آموز را با ابهام‌های معنایی، چندمعنایی و ضرورت تفسیر روبه‌رو می‌سازد؛ عناصری که ارتباط مستقیم با مؤلفه‌های تفکر انتقادی دارند (بروکفید، ۲۰۲۰؛ سیاردیلو، ۲۰۰۴؛ مک‌لاکلین و دوینگ، ۲۰۱۱). در این فرایند، خواننده ناگزیر است شواهد متنی را بررسی کند، میان برداشت‌های مختلف تمایز بگذارد و دیدگاه خود را با استدلال مستند بیان نماید. این امر نه تنها فهم ادبی را تعمیق می‌کند، بلکه مهارت‌های تحلیل، ارزیابی و داوری را نیز تقویت می‌سازد.

از سوی دیگر، تحلیل شعر کوتاه می‌تواند بستری مناسب برای توسعه مهارت‌های نوشتاری فراهم آورد. نوشتار تحلیلی مبتنی بر شعر - که در این پژوهش مورد تأکید است - شامل نگارش انشای تحلیلی، تحلیل عناصر زبانی و ادبی، و پاسخ‌گویی استدلال‌محور به پرسش‌های تفکر انتقادی مبتنی بر شواهد متنی است. این شیوه نوشتن، دانش‌آموز را به سازمان‌دهی اندیشه، استفاده دقیق از زبان، استناد به متن و بیان منسجم دیدگاه‌ها وامی‌دارد.

مطالعات اخیر نشان داده‌اند که فعالیت‌های مبتنی بر شعر، از جمله خواندن و نوشتن تحلیلی، می‌تواند مهارت‌های تفکر انتقادی را به طور معناداری ارتقا دهد (خال‌سیاه و همکاران، ۱۴۰۴). همچنین پژوهش‌ها بر این نکته تأکید کرده‌اند که ترکیب خواندن تحلیلی با نوشتن تأملی، کیفیت نگارش دانش‌آموزان را بهبود می‌بخشد و موجب افزایش انسجام، استدلال‌مندی و دقت زبانی در نوشته‌های آنان می‌شود (فلاحی و کمالی‌نهاد، ۱۴۰۰؛ ریگی‌کوته و الهی، ۲۰۱۸؛ بروکهارت، ۲۰۱۳).

۳) مطالعه موردی: تحلیل اشعار هوشنگ ابتهاج

در راستای تحقق اهداف این پژوهش، اشعار هوشنگ ابتهاج به عنوان مطالعه موردی انتخاب شده است. انتخاب آثار این شاعر با توجه به آن صورت گرفته که ویژگی‌هایی چون لایه‌مندی معنایی، زبان تصویری غنی و ایجاز ساختاری در شعر او به خوبی با اصول سازنده‌گرایی همخوانی دارد. چنین عناصری بستری فراهم می‌آورد تا دانش‌آموز در فرایند یادگیری، به جای دریافت منفعل معنا، به تفسیر، تحلیل و بازسازی فعال آن پردازد؛ امری که با مبانی نظری پژوهش نیز سازگار است (روزبهرانی و همکاران، ۱۳۹۶). شعر ابتهاج با لایه‌های ضمنی و گاه پیچیدگی‌های زبانی خود، خواننده را به تأمل، واکاوی و بازاندیشی دعوت می‌کند. این ویژگی‌ها موجب می‌شود دانش‌آموز در برخورد با متن، با تحلیل عناصر متعدد و مواجهه با ابهام‌های معنایی، تفسیرهای شخصی خود را بر اساس شواهد متنی و تجربه‌های ذهنی شکل دهد. چنین فرایندی، که با سازنده‌گرایی هم‌راستا است، آثار ابتهاج را به گزینه‌ای مناسب برای به کارگیری رویکرد تدریس تحلیلی در کلاس درس تبدیل می‌کند.

افزون بر این، مضامین موجود در شعرهای ابتهاج - از جمله دغدغه‌های هویتی، مفاهیم هستی‌شناسانه و نگاه نوستالژیک به گذشته - هنگامی که با ساختار ایجازمند و چندمعنایی شعر همراه می‌شوند، نقش دانش‌آموز را از

دریافت‌کننده معنا به مفسری فعال ارتقا می‌دهند. در چنین فرایندی، یادگیرنده تشویق می‌شود تا در واکنش به متن، فرضیه‌های تفسیری خود را شکل دهد، ادعاهای خویش را با شواهد متنی پشتیبانی کند و از برداشت‌های خود به صورت استدلال‌مند دفاع نماید. این امر با زیست‌جهان نوجوانان و دغدغه‌های هویتی آنان نیز هم‌ساز است و می‌تواند درگیری عمیق‌تر و معنادارتری با متن ادبی ایجاد کند (روزبهرانی و همکاران، ۱۳۹۶). افزون بر آن، پژوهش‌های اخیر نیز بر اهمیت بهره‌گیری از رویکردهای نقد مدرن در آموزش شعر معاصر فارسی تأکید کرده‌اند؛ به‌ویژه در مورد آثاری که ظرفیت تفسیری چندگانه و لایه‌های معنایی متنوع دارند (پژاک، ۱۴۰۳).

بر این اساس، پژوهش حاضر آثار هوشنگ ابتهاج را به عنوان مطالعه موردی آموزشی برای بررسی تأثیر رویکرد تدریس تحلیلی برگزیده است؛ رویکردی مبتنی بر اصول سازنده‌گرایی که با فعال‌سازی دانش‌آموز در فرایند تحلیل و تفسیر شعر، در پی تقویت ساخت معنا و پرورش تفکر انتقادی است. از این رو، انتخاب این شاعر نه تنها بر پایه جایگاه ادبی او، بلکه با توجه به ظرفیت آموزشی شعرهایش در ارتقای تفکر انتقادی و مهارت‌های نوشتاری دانش‌آموزان انجام شده است.

پیشینه پژوهش

مرور پژوهش‌های داخلی و خارجی نشان می‌دهد که در سال‌های اخیر توجه فزاینده‌ای به نقش آموزش ادبیات در پرورش تفکر انتقادی و توانمندسازی یادگیرندگان معطوف شده است (عزیزی و همکاران، ۱۴۰۱؛ زکریا و همکاران، ۱۴۰۴؛ عایشه و همکاران، ۲۰۱۹). یافته‌های بسیاری از مطالعات بیانگر آن است که به‌کارگیری رویکردهای تحلیلی و گفت‌وگومحور در تدریس متون ادبی می‌تواند به بهبود معنادار مهارت‌های تفکر انتقادی دانش‌آموزان منجر شود (بروکفید، ۲۰۲۰؛ سیاردیلو، ۲۰۰۴؛ مک‌لاکلین و دوینگد، ۲۰۱۱). افزون بر این، پژوهش‌هایی که به ارتباط میان آموزش ادبیات و مهارت‌های نوشتاری پرداخته‌اند، نشان داده‌اند که خواندن تحلیلی نقش مهمی در ارتقای کیفیت نگارش دارد (فلاحی و کمالی‌نهاد، ۱۴۰۰؛ ریگی‌کوته و الهی، ۲۰۱۸؛ بروکهارت، ۲۰۱۳).

در حوزه آموزش ادبیات، گروهی از مطالعات تأثیر تدریس شعر و متون ادبی را بر انگیزش یادگیری، درک ادبی و مهارت‌های زبانی بررسی کرده‌اند (خلیلی و حسین‌زاده، ۱۳۹۶؛ کریمیان و همکاران، ۱۳۹۶؛ آذر و گلابخش، ۱۳۹۳). با این حال، تعداد پژوهش‌هایی که به‌طور هم‌زمان اثر تدریس تحلیلی شعر کوتاه معاصر را بر تفکر انتقادی و مهارت نوشتاری بسنجند، اندک است (عایشه و همکاران، ۲۰۱۹؛ فلاحی و کمالی‌نهاد، ۱۴۰۰). همچنین، هرچند در مطالعات ادبی به ویژگی‌های شعر معاصر فارسی و جایگاه شاعرانی چون هوشنگ ابتهاج پرداخته شده است، بهره‌گیری نظام‌مند از آثار این شاعران به عنوان محور یک مداخله آموزشی تجربی در محیط‌های مدرسه‌ای کمتر مورد توجه قرار گرفته است (روزبهرانی و همکاران، ۱۳۹۶).

بر این اساس، پژوهش حاضر می‌کوشد با تلفیق رویکرد تدریس تحلیلی، شعر کوتاه معاصر و سنجش تجربی مهارت‌های تفکر انتقادی و نوشتاری، بخشی از خلأ موجود در ادبیات پژوهشی را پوشش دهد و شواهدی علمی در حمایت از کاربست مؤثر ادبیات معاصر در آموزش مدرسه‌ای ارائه کند.

روش‌شناسی پژوهش

۱) طرح پژوهش

این پژوهش از نوع نیمه‌آزمایشی با طرح پیش‌آزمون-پس‌آزمون با گروه کنترل است. در این طرح، گروه آزمایش تحت مداخله آموزشی قرار می‌گیرد، در حالی که گروه کنترل آموزش معمول مدرسه را دریافت می‌کند. سپس عملکرد دو گروه در مرحله پس‌آزمون با در نظر گرفتن نمرات پیش‌آزمون مورد مقایسه قرار می‌گیرد. چنین طرحی برای بررسی اثربخشی برنامه‌های آموزشی و مداخلات مدرسه‌ای مناسب است، زیرا امکان کنترل نسبی متغیرهای مداخله‌گر و مقایسه دقیق تغییرات ناشی از مداخله را فراهم می‌آورد.

۲) جامعه آماری

جامعه آماری این پژوهش شامل همه دانش‌آموزان پایه یازدهم دوره دوم متوسطه دخترانه هنرستان امام محمدباقر(ع) در منطقه ۱۵ شهر تهران در سال تحصیلی ۱۴۰۴-۱۴۰۵ بود (۱۵۰ نفر). این مدرسه دارای شش کلاس در پایه یازدهم است و تمامی کلاس‌ها از برنامه درسی مشابه پیروی می‌کنند و تحت نظارت آموزشی یکسان اداره می‌شوند.

۳) نمونه پژوهش و روش نمونه‌گیری

برای انتخاب نمونه، از میان کلاس‌های پایه یازدهم این مدرسه، دو کلاسی که از نظر معلم، محتوای آموزشی، تعداد دانش‌آموز، شرایط آموزشی و سطح تحصیلی بیشترین همگنی را داشتند، برگزیده شدند. نمونه‌گیری به روش در دسترس انجام شد که دلیل آن محدودیت در برنامه‌ریزی زمانی اجرای مداخله، ضرورت هماهنگی با برنامه هفتگی مدرسه و امکان اجرای منسجم مداخله در محیطی نسبتاً کنترل‌شده بود. در مجموع، ۴۰ دانش‌آموز دختر از این دو کلاس به‌عنوان نمونه پژوهش انتخاب شدند.

۴) نحوه تخصیص نمونه به گروه آزمایش و کنترل

برای کنترل نسبی متغیرهای مزاحم و اطمینان از همگنی اولیه گروه‌ها، پس از انتخاب دو کلاس منتخب، نخست از تمامی دانش‌آموزان هر دو کلاس پیش‌آزمون مهارت نوشتاری و پیش‌آزمون تفکر انتقادی گرفته شد. سپس برای تخصیص تصادفی و بدون سوگیری کلاس‌ها به گروه‌های آزمایش و کنترل، از روش تصادفی ساده استفاده شد. بدین منظور، ابتدا به هر یک از دو کلاس یک شماره اختصاص داده شد و سپس با اجرای روش قرعه‌کشی، یکی از کلاس‌ها به‌عنوان گروه آزمایش و کلاس دیگر به‌عنوان گروه کنترل تعیین شد. در نهایت، دو گروه ۲۰ نفره (آزمایش و کنترل) تشکیل گردید که جزئیات آن در جدول ۱ گزارش شده است.

جدول ۱- نمونه آماری براساس گروه

جنسیت	گروه	فراوانی	درصد
دختر	آزمایش	۲۰	۵۰
دختر	کنترل	۲۰	۵۰

تخصیص تصادفی کلاس‌ها به دو گروه، امکان مقایسه تأثیر مداخله آموزشی را با حداقل سوگیری ناشی از تفاوت‌های فردی و کلاسی فراهم می‌سازد و موجب افزایش اعتبار درونی یافته‌ها می‌شود.

۵) همگنی اولیه دو گروه

برای بررسی همگنی اولیه دو گروه، نمرات پیش‌آزمون مهارت نوشتاری و تفکر انتقادی با استفاده از آزمون t مستقل مقایسه شد. نتایج نشان داد که در مرحله پیش‌آزمون تفاوت معناداری میان دو گروه وجود ندارد ($p > 0.05$). بنابراین، دو گروه از نظر سطح توانایی اولیه در متغیرهای پژوهش همگن بوده‌اند و این وضعیت امکان بررسی اثر مداخله آموزشی را با اطمینان بیشتری فراهم می‌کند.

۶) ابزارهای پژوهش

الف) آزمون مهارت نوشتاری

این آزمون برای سنجش توانایی نگارش تحلیلی، سازمان‌دهی متن، انسجام، دقت نگارشی و میزان استفاده از ساختارهای زبانی مناسب طراحی شده است. فرایند نمره‌گذاری توسط دو ارزیاب مستقل و بر اساس چک‌لیست تحلیلی

یا روبریک استاندارد ارزیابی نوشتار تحلیلی (Analytic Rubric) انجام گرفت. این روبریک مؤلفه‌هایی نظیر انسجام و سازمان‌دهی، وضوح ایده و دیدگاه، استفاده از شواهد متنی، قدرت تحلیل و داوری، و دقت زبانی و نگارشی را دربرمی‌گیرد و امکان سنجش تفکیکی هر یک از جنبه‌های عملکرد نوشتاری را فراهم می‌سازد (بروکهارت، ۲۰۱۳). افزون بر این، مطالعات پیشین نشان داده‌اند که به‌کارگیری روبریک‌های تحلیلی با افزایش شفافیت معیارها، به بهبود خودارزیابی و اصلاح متن توسط دانش‌آموزان کمک می‌کند (آندره و دو، ۲۰۰۵). فرایند نمره‌دهی برای پیش‌آزمون و پس‌آزمون به‌صورت یکسان و بر مبنای همین معیارها انجام شد. به‌منظور افزایش پایایی ارزیابی، شاخص‌ها به‌طور دقیق تعریف شدند و تصحیح‌ها با تأکید بر ثبات و هم‌خوانی در نمره‌گذاری صورت گرفت (رحمانیان و ثابت‌زاده، ۱۴۰۱).

ب) آزمون تفکر انتقادی

آزمون تفکر انتقادی: این آزمون مجموعه‌ای از پرسش‌های استاندارد برای سنجش توانایی تحلیل، استدلال و قضاوت انتقادی است (الدر و پاول، ۲۰۲۰). در این پژوهش از آزمون تفکر انتقادی^۱ کالیفرنیا فاسیون (CCTST) استفاده شد. این آزمون یکی از ابزارهای معتبر بین‌المللی در سنجش تفکر انتقادی به شمار می‌رود و مؤلفه‌هایی نظیر تحلیل، استدلال، تفسیر، ارزیابی و استنتاج را اندازه‌گیری می‌کند (سیاردیلو، ۲۰۰۴؛ مک‌لاکلین و دویگد، ۲۰۱۱؛ الدر و پاول، ۲۰۲۰؛ فاسیون، ۱۹۹۰). نسخه فارسی این آزمون که در پژوهش‌های داخلی از روایی و پایایی قابل قبولی برخوردار گزارش شده است، در این پژوهش به کار گرفته شد (عایشه و همکاران، ۲۰۱۹). انتخاب این ابزار با توجه به تأکید سند برنامه درسی ملی بر پرورش تفکر انتقادی و مهارت‌های عالی شناختی در دانش‌آموزان، با اهداف پژوهش حاضر همسو است (سند برنامه درسی ملی، ۱۳۹۰).

شیوه اجرا: آزمون به‌صورت پیش‌آزمون و پس‌آزمون برای هر دو گروه آزمایش و کنترل بر روی ۴۰ دانش‌آموز دختر اجرا شد. اجرای آزمون در شرایط استاندارد و همراه با ارائه راهنمایی‌های لازم به شرکت‌کنندگان انجام شد تا از درک صحیح پرسش‌ها اطمینان حاصل شود.

نمره‌دهی: نمره‌دهی آزمون بر اساس دستورالعمل‌های استاندارد آن و با الگوبرداری از پژوهش‌های مشابه داخلی انجام گرفت. در این فرایند، نمره هر یک از مؤلفه‌های تفکر انتقادی به‌طور جداگانه محاسبه شد و در نهایت نمره کلی تفکر انتقادی برای هر دانش‌آموز تعیین گردید.

۷) روایی ابزار

روایی ابزار: برای بررسی روایی ابزارهای پژوهش از دو شیوه مکمل استفاده شد. روایی محتوا: محتوای آزمون‌ها توسط سه صاحب‌نظر در حوزه آموزش زبان و روش تحقیق ارزیابی شد و پس از بررسی میزان انطباق با اهداف پژوهش، اصلاحات لازم اعمال و روایی محتوایی آن مورد تأیید قرار گرفت. روایی صوری: سؤالات از نظر شفافیت، میزان دشواری و تناسب با گروه سنی و سطح تحصیلی دانش‌آموزان مورد بررسی کارشناسی قرار گرفت و روایی صوری آن‌ها نیز تأیید شد.

۸) پایایی ابزار

برای بررسی پایایی؛ آزمون مهارت نوشتاری: برای بررسی پایایی نمره‌دهی، ضریب توافق بین دو ارزیاب با استفاده از ضریب همبستگی درون طبقه‌ای^۲ (ICC) محاسبه شد. مقدار ضریب به‌دست‌آمده بالاتر از ۰/۸۰ بود که نشان‌دهنده پایایی مطلوب در

1. California Critical Thinking Skills Test
2. Intraclass Correlation Coefficient - ICC

نمره‌گذاری است.

آزمون تفکر انتقادی: برای بررسی پایایی درونی آزمون، از ضریب آلفای کرونباخ استفاده شد. مقدار آلفای به‌دست‌آمده بالاتر از ۰/۷۰ بود که بیانگر پایایی قابل قبول ابزار است.

۹) شیوه اجرای مداخله آموزشی

پس از اجرای پیش‌آزمون‌ها، مداخله آموزشی در گروه آزمایش طی شش جلسه آموزشی (هر جلسه ۶۰ تا ۹۰ دقیقه) اجرا شد. محتوای آموزشی شامل مجموعه‌ای از شعرهای کوتاه منتخب از آثار هوشنگ ابتهاج بود که بر اساس ظرفیت تحلیلی، مفاهیم انسانی و امکان شکل‌گیری گفت‌وگوی انتقادی انتخاب شدند.

تدریس در گروه آزمایش بر پایه رویکرد تحلیلی و مشارکتی انجام گرفت و مراحل اجرا به شرح زیر بود: خوانش فعال شعر: در آغاز هر جلسه، شعر مورد نظر توسط معلم یا دانش‌آموزان خوانده می‌شد و در خوانش بر لحن، عاطفه و تصاویر شعری تأکید می‌گردید. پس از خوانش اولیه، پرسش‌هایی برای جلب توجه دانش‌آموزان به عناصر کلیدی شعر (مانند واژگان برجسته، تصاویر ادبی و لحن) مطرح می‌شد.

طرح پرسش‌های باز و تفکربرانگیز: معلم پرسش‌هایی فراتر از درک سطحی متن مطرح می‌کرد تا دانش‌آموزان به تحلیل، استدلال و تفسیر بپردازند. نمونه‌هایی از این پرسش‌ها عبارت بود از: منظور شاعر از این تصویر شعری چیست؟ چرا شاعر این واژه خاص را به کار برده است و چه جایگزین‌هایی می‌توانست داشته باشد؟ چه ارتباطی میان این بیت و مضمون کلی شعر وجود دارد؟ و شعر چه پیامی را به خواننده منتقل می‌کند و چگونه می‌توان آن را با تجربه‌های شخصی مرتبط ساخت؟

گفت‌وگوی انتقادی کلاسی: پس از ارائه پاسخ‌های اولیه، بحث کلاسی با هدایت معلم شکل می‌گرفت. در این مرحله دانش‌آموزان تشویق می‌شدند دیدگاه‌های خود را بیان کنند، به نظرات همکلاسی‌ها پاسخ دهند، برای دیدگاه‌های خود استدلال ارائه دهند و در صورت لزوم آن‌ها را اصلاح یا تقویت کنند. معلم در این فرایند نقش تسهیل‌گر داشت و تلاش می‌کرد گفت‌وگو در مسیر تحلیل عمیق‌تر متن پیش رود.

تحلیل مفاهیم و تصاویر شعری: در ادامه گفت‌وگو، توجه دانش‌آموزان به تحلیل لایه‌های معنایی شعر، تفسیر تصاویر ادبی (مانند استعاره و تشبیه) و درک پیام‌های ضمنی و صریح متن معطوف می‌شد و ارتباط میان عناصر مختلف شعر و مفاهیم عام انسانی مورد بررسی قرار می‌گرفت.

نگارش متن تحلیلی کوتاه: در پایان هر جلسه، از دانش‌آموزان خواسته می‌شد متنی تحلیلی کوتاه (حدود ۵ تا ۷ جمله) درباره یکی از جنبه‌های مورد بحث بنویسند؛ مانند تحلیل یک تصویر شعری، تبیین یک مفهوم کلیدی یا بیان پیام اصلی شعر همراه با شواهدی از متن. هدف از این فعالیت، به‌کارگیری آموخته‌های تحلیلی در قالب نوشتار و تقویت توانایی بیان تحلیلی بود. بازخورد کلی این نوشته‌ها در جلسات بعدی یا به‌صورت کتبی ارائه می‌شد.

در مقابل، گروه کنترل همان شعرها را با روش رایج تدریس ادبیات (توضیح معنای واژگان، ارائه تفسیر معلم‌محور و طرح پرسش‌های درک مطلب، بدون تأکید بر تحلیل انتقادی و نگارش تحلیلی) دریافت کرد.

روش پژوهش

این پژوهش از طرح نیمه‌آزمایشی پیش‌آزمون-پس‌آزمون با دو گروه آزمایش و کنترل استفاده کرده است. جامعه آماری شامل کلیه دانش‌آموزان پایه یازدهم هنرستانی شهر تهران بود. پس از هماهنگی با مدیریت و دبیران هنرستان، دو کلاس مشابه از نظر ویژگی‌های تحصیلی و سنی با روش نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شد و سپس به‌صورت تصادفی در دو گروه آزمایش و کنترل گمارده شدند.

پیش از اجرای مداخله، هر دو گروه در آزمون‌های مهارت نوشتاری و تفکر انتقادی ارزیابی شدند. مداخله آموزشی مبتنی بر رویکرد سازنده‌گرایی طی شش جلسه در گروه آزمایش اجرا شد و گروه کنترل آموزش معمول خود را دریافت

کرد. پس از گذشت شش هفته، پس‌آزمون‌های مهارت نوشتاری و تفکر انتقادی برای هر دو گروه برگزار شد. داده‌های گردآوری‌شده با استفاده از نرم‌افزار SPSS نسخه ۲۶ تحلیل شد. در آمار توصیفی، شاخص‌هایی مانند میانگین و انحراف معیار گزارش گردید. در آمار استنباطی، برای مقایسه نمرات پیش‌آزمون و پس‌آزمون در هر گروه از آزمون t وابسته و برای مقایسه نمرات دو گروه در مرحله پس‌آزمون از آزمون t مستقل استفاده شد. همچنین اندازه اثر برای تعیین شدت تأثیر مداخله محاسبه گردید. سطح معناداری آزمون‌ها برابر با ۰/۰۵ در نظر گرفته شد.

یافته‌ها

به‌منظور بررسی اثر مداخله آموزشی بر مهارت تفکر انتقادی و مهارت نوشتاری دانش‌آموزان پایه یازدهم، داده‌های پیش‌آزمون و پس‌آزمون دو گروه آزمایش و کنترل تحلیل شد. برای مقایسه عملکرد دانش‌آموزان در دو مرحله، از آزمون t وابسته استفاده شد و شاخص‌های آماری شامل آماره t، درجات آزادی (df)، سطح معنی‌داری (p) و اندازه اثر مبتنی بر مجذور اتا (η^2) محاسبه شد. نتایج به‌دست‌آمده در جدول‌های ۲ و ۳ گزارش شده است. این جدول‌ها امکان مقایسه هم‌زمان هر دو متغیر (تفکر انتقادی و مهارت نوشتاری) را در گروه‌های آزمایش و کنترل فراهم می‌کنند و تصویری روشن از میزان اثربخشی مداخله در برابر روند طبیعی تغییر در گروه کنترل ارائه می‌دهند.

جدول ۲- میانگین و انحراف معیار نمرات پیش‌آزمون و پس‌آزمون، آماره t وابسته، سطح معنی‌داری و اندازه اثر در گروه‌های آزمایش و کنترل

متغیر	گروه	پیش آزمون	میانگین نمرات		آماره آزمون t	درجات آزادی (df)	سطح معنی‌داری (P-Value)	اندازه اثر (η^2)
			انحراف میانگین	پس‌آزمون				
تفکر	آزمایش	۲۰/۲۸	۰/۲۵	۲۹/۳۴	۰/۵	۸۵/۰۹	کمتر از ۰/۰۰۱	۰/۹۹۷
انتقادی	کنترل	۲۰/۰۷	۰/۲۵	۲۱/۲۴	۰/۱۵	۳۲/۰۳	کمتر از ۰/۰۰۱	۰/۹۹۷
مهارت	آزمایش	۲/۰۵	۰/۱۰	۳/۱۲	۰/۱۰	۸۳/۳۳	کمتر از ۰/۰۰۱	۰/۹۶۵
نوشتاری	کنترل	۲/۰۳	۰/۰۷	۲/۲۲	۰/۰۵	۳۰/۵۱	کمتر از ۰/۰۰۱	۰/۹۸۰

نتایج جدول ۲ نشان می‌دهد که هر دو متغیر در گروه آزمایش و کنترل تغییرات معنی‌داری داشته‌اند، اما شدت و میزان این تغییرات در گروه آزمایش به‌طور چشمگیری بالاتر است.

۱) تفکر انتقادی

در گروه آزمایش، میانگین تفکر انتقادی از ۲۰/۲۸ به ۲۹/۳۴ افزایش یافت. مقدار t بسیار بزرگ و در سطح ۰/۰۰۱ معنی‌دار است که نشان می‌دهد مداخله آموزشی تأثیر چشمگیری داشته است. همچنین مقدار η^2 برابر با ۰/۹۹۷ نشان‌دهنده اندازه اثر بسیار بزرگ و قابل‌توجه در این گروه است. در گروه کنترل نیز تغییر معنی‌داری مشاهده شد (از ۲۰/۰۷ به ۲۱/۲۴)، اما مقدار η^2 برابر با ۰/۹۹۷ است که گرچه بالا گزارش شده، اما شدت تغییر در مقایسه با گروه آزمایش کمتر است. این تفاوت نشان می‌دهد که بخش عمده بهبود در گروه کنترل به‌طور طبیعی یا بر اثر عوامل بیرونی رخ داده، نه به دلیل مداخله اصلی.

۲) مهارت نوشتاری

در گروه آزمایش، میانگین مهارت نوشتاری از ۲/۰۸ به ۳/۱۱ افزایش یافت و مقدار t گزارش‌شده نشان‌دهنده تغییری کاملاً معنی‌دار در سطح ۰/۰۰۱ است. مقدار η^2 برابر با ۰/۹۶۵ تأثیری بسیار بزرگ را نشان می‌دهد؛ به این معنا که

بخش عمده تغییرات مهارت نوشتاری ناشی از مداخله آموزشی بوده است. در گروه کنترل، افزایش میانگین از ۲/۰۳ به ۲/۲۴ هرچند از نظر آماری معنی دار است، اما اندازه اثر برابر ۰/۹۸۰ نسبت به گروه آزمایش کمتر است و شدت تغییرات محدودتر ارزیابی می شود.

جدول ۳- مقایسه میانگین نمرات پس آزمون تفکر انتقادی و مهارت نوشتاری در گروه های آزمایش و کنترل

متغیر	گروه آزمایش		گروه کنترل		آماره آزمون t	درجات آزادی (df)	سطح معنی داری (P-Value)	اندازه اثر (η^2)
	میانگین پس آزمون	انحراف میانگین	میانگین پس آزمون	انحراف میانگین				
تفکر انتقادی	۲۹/۳۴	۰/۵	۲۱/۲۴	۰/۱۵	۶۹/۶	۳۸	کمتر از ۰/۰۰۱	۰/۹۹
مهارت نوشتاری	۳/۱۲	۰/۱۰	۲/۲۲	۰/۰۵	۳۶	۳۸	کمتر از ۰/۰۰۱	۰/۹۷

نتایج جدول ۳ نشان می دهد که میانگین نمرات پس آزمون تفکر انتقادی در گروه آزمایش (۲۹/۳) به طور قابل توجهی بیشتر از گروه کنترل (۲۱/۲) است. نتایج آزمون t مستقل نشان داد که این تفاوت از نظر آماری معنی دار است. همچنین اندازه اثر مبتنی بر مجذور اتا برابر با ۰/۹۹ بیانگر آن است که بخش بسیار زیادی از تغییرات نمرات تفکر انتقادی به مداخله اعمال شده نسبت داده می شود.

همچنین در متغیر مهارت های نوشتاری، میانگین نمرات پس آزمون در گروه آزمایش (۳/۱۲) بیشتر از گروه کنترل (۲/۲۲) بود. نتایج آزمون t مستقل نشان داد که این تفاوت نیز از نظر آماری معنی دار است. اندازه اثر به دست آمده برابر با ($\eta^2=0.97$) نشان داد که بخش عمده ای از تغییرات مهارت های نوشتاری نیز تحت تأثیر مداخله پژوهش قرار داشته است.

۳) جمع بندی تحلیلی

به طور کلی، یافته ها نشان می دهند که مداخله آموزشی اجرا شده تأثیری معنی دار و نسبتاً قوی بر هر دو متغیر تفکر انتقادی و مهارت نوشتاری داشته است. هرچند در گروه کنترل نیز تغییرات محدودی مشاهده شد، اما افزایش قابل توجه میانگین نمرات و مقادیر بالای اندازه اثر در گروه آزمایش حاکی از آن است که بخش عمده ای از تغییرات مشاهده شده ناشی از مداخله بوده است. نتایج گزارش شده در جدول ۳ نیز تأیید می کند که برنامه آموزشی به کار رفته توانسته است تفکر انتقادی و مهارت نوشتاری دانش آموزان را در مقایسه با گروه کنترل به طور معنی داری ارتقا دهد. بر این اساس، می توان نتیجه گرفت که مداخله آموزشی طراحی شده از اثربخشی بالایی در بهبود توانایی های شناختی و مهارتی دانش آموزان برخوردار بوده است.

بحث و نتیجه گیری

هدف پژوهش حاضر بررسی تأثیر تدریس تحلیلی شعرهای کوتاه معاصر فارسی با محوریت آثار هوشنگ ابتهاج بر تقویت مهارت های تفکر انتقادی و مهارت نوشتاری دانش آموزان دختر پایه یازدهم بود. یافته های پژوهش نشان داد که مداخله آموزشی اجرا شده تأثیری معنی دار و قابل توجه بر ارتقای تفکر انتقادی و مهارت نوشتاری دانش آموزان داشته است. مقایسه نتایج پیش آزمون و پس آزمون در گروه آزمایش بیانگر افزایش چشمگیر میانگین نمرات هر دو متغیر بود و آزمون های آماری معنی داری این تغییرات را در سطح کمتر از ۰/۰۰۱ تأیید کردند. همچنین مقادیر بالای اندازه اثر نشان داد که بخش عمده تغییرات مشاهده شده در این مهارت ها ناشی از مداخله آموزشی بوده است.

علاوه بر این، مقایسه پس آزمون دو گروه آزمایش و کنترل نشان داد که عملکرد دانش آموزان گروه آزمایش در هر دو متغیر تفکر انتقادی و مهارت نوشتاری به طور معناداری بالاتر از گروه کنترل بوده است. بر این اساس، می توان نتیجه گرفت که برنامه آموزشی مورد استفاده توانسته است نقش مؤثری در تقویت توانایی های شناختی و مهارت های

نوشتاری دانش‌آموزان ایفا کند. به‌طور کلی، به‌کارگیری روش‌های آموزشی فعال و تحلیلی می‌تواند به‌عنوان رویکردی کارآمد در ارتقای مهارت‌های فکری و زبانی دانش‌آموزان مطرح شود. یافته‌های این پژوهش با نتایج مطالعات پیشین نیز هم‌راستاست؛ پژوهش‌هایی که نقش متون ادبی را در پرورش مهارت‌های شناختی و ارتباطی تأیید کرده‌اند. با این تفاوت که مطالعه حاضر با تمرکز بر شعر کوتاه معاصر و بهره‌گیری از رویکرد تدریس تحلیلی و مشارکتی، جنبه‌ای نوآورانه دارد. با این حال، به دلیل محدودیت‌هایی همچون حجم نمونه اندک و کوتاه‌بودن دوره مداخله، تعمیم نتایج باید با احتیاط صورت گیرد.

۱) محدودیت‌های پژوهش

برای تفسیر دقیق‌تر یافته‌ها، توجه به چند محدودیت پژوهش ضروری است؛ نخست آنکه نمونه‌گیری به‌صورت در دسترس و محدود به یک مدرسه انجام شد؛ موضوعی که دامنه تعمیم نتایج را کاهش می‌دهد. دوم، پژوهش صرفاً بر دانش‌آموزان دختر اجرا شد و احتمال تفاوت عملکرد در میان دانش‌آموزان پسر وجود دارد. سوم، دوره مداخله نسبتاً کوتاه (شش جلسه) بود و امکان بررسی پایداری اثرات و نتایج بلندمدت را محدود می‌کند. در نهایت، کنترل کامل عامل معلم — از جمله سبک تدریس، کیفیت تعامل و مدیریت بحث کلاسی — در مطالعات آموزشی همواره دشوار است و می‌تواند بر نتایج تأثیر بگذارد.

این موارد بیانگر آن است که یافته‌ها باید در چارچوب شرایط خاص پژوهش تحلیل شوند و تعمیم آن‌ها با احتیاط صورت گیرد. با وجود این محدودیت‌ها، نتایج نشان می‌دهد که تدریس تحلیلی شعرهای کوتاه معاصر فارسی، به‌ویژه آثار هوشنگ ابتهاج، می‌تواند رویکردی مؤثر در ارتقای تفکر انتقادی و مهارت‌های نوشتاری دانش‌آموزان باشد. این شیوه تدریس، با فاصله گرفتن از الگوهای سنتی و حافظه‌محور آموزش ادبیات، زمینه مشارکت فعال‌تر دانش‌آموزان، گفت‌وگوی عمیق‌تر پیرامون متن و درگیری شناختی بیشتر را فراهم می‌کند. بر این اساس، توجه به گسترش و بهره‌گیری از رویکردهای تحلیلی و مشارکتی در برنامه‌های آموزش ادبیات فارسی می‌تواند سودمند باشد.

۲) پیشنهادهایی برای پژوهش‌های آینده

- با توجه به نتایج و محدودیت‌های پژوهش حاضر، پیشنهادهای زیر برای مطالعات آینده قابل طرح است:
- انجام پژوهش در مدارس متنوع‌تر و با حجم نمونه بزرگ‌تر به‌منظور افزایش قابلیت تعمیم یافته‌ها.
 - بررسی اثربخشی رویکرد تدریس تحلیلی در میان دانش‌آموزان پسر و مقایسه نتایج با گروه‌های دختر.
 - طراحی و اجرای دوره‌های مداخله طولانی‌مدت برای مطالعه پایداری، ماندگاری و روند تغییرات مهارت‌های مورد بررسی.
 - مقایسه کارآمدی تدریس تحلیلی شعر کوتاه با سایر گونه‌های ادبی، از جمله داستان کوتاه، غزل کلاسیک یا متن‌های معاصر غیرشعری.
 - کنترل دقیق‌تر عامل معلم یا استفاده از چند معلم برای کاهش سوگیری‌های احتمالی ناشی از سبک تدریس و تعامل کلاسی.

مشارکت نویسندگان

نویسندگان در طراحی چارچوب کلی پژوهش، تدوین محتوا، بررسی، و انجام اصلاحات مشارکت داشته‌اند.

تشکر و قدردانی

از همه افراد، دانش‌آموزان و مدرسه هنرستان امام محمدباقر (ع) منطقه ۱۵ تهران که در تکمیل داده‌های این پژوهش مساعدت کردند، قدردانی می‌گردد.

تعارض منافع

هیچ‌گونه تعارض منافع توسط نویسندگان بیان نشده است.

References

- Aisyah, S., Widodo, P., Mubarak, M. K., & Harumi, E. (2019). *The role of poems in developing critical thinking skill of low achieving students*. *Magister Scientiae*, (46), 238–260.
- Alizadeh, M. (2024). *Analysis of the brainstorming teaching method on students' learning in schools*. In Proceedings of the First International Conference on Transformational Research of Iranian Progress Officers. [In Persian].
- Andrade, H. L., & Du, Y. (2005). *Student perspectives on rubric-referenced assessment*. *Practical Assessment, Research & Evaluation*, 10(3), 1–11.
- Azar, A. R., & Golabakhsh, A. (2014). *Critical thinking*. Sarvo Yasin Publications. [In Persian].
- Azizi, M., Azizi, N., Lewandowska, E., Majda, P., & Gosteva, Y. N. (2022). *Cultivating critical thinking in literature classroom through poetry*. *Journal of Education Culture and Society*, 13(1), 285–298.
- Brookfield, S. (2020). *Teaching for critical thinking*. *International Journal of Adult Education and Technology*, 11(3), 1–21.
- Brookhart, S. M. (2013). *How to create and use rubrics for formative assessment and grading*. ASCD.
- Ciardiello, A. V. (2004). *Democracy's young heroes: An instructional model of critical literacy practices*. *The Reading Teacher*, 58(2), 138–147.
- Deliligka, A., & Calfoglou, C. (2022). *Using poetry to foster critical thinking and metacognition in a primary school EFL context*. *Research Papers in Language Teaching and Learning*, 12(1), 167–187.
- Elder, L., & Paul, R. (2020). *Critical thinking: Tools for taking charge of your learning and your life*. Rowman & Littlefield.
- Facione, P. A. (1990). *The California Critical Thinking Skills Test—College level: Technical report no. 1*. California Academic Press.
- Fallahi, H., & Kamalinahad, A. A. (2021). *Analysis of the teaching method of developing the subject "brainstorming" in strengthening the writing of tenth-grade students*. *Journal of the Development of Persian Language and Literature Education*, (132), 13–19. [In Persian].
- Goharzagadean, I. (2025). *Comparing modern and traditional methods in teaching Persian literature*. In Proceedings of the First National Conference of Future-Oriented Teachers: New approaches in education. [In Persian].
- Jabri, S., & Bagheri Farsani, H. (2014). *Structural classification of contemporary short poetry genres*. *Literary Studies*, 9(34), 9–31. [In Persian].
- Karimian, H., Nateghi, F., & Seifi, M. (2017). *The position of critical thinking in Islamic education based on the national curriculum document*. *Journal of Research on Islamic Education Issues*, 25(34). [In Persian].
- Khalili, H., & Hosseinzadeh, R. (2017). *The relationship between critical thinking and learning quality in Iranian high school students*. *Iranian Journal of Educational Sciences*, 9(3), 55–70. [In Persian].

- Khalsiah, K., Alfiadi, T., Safriandi, S., & Fatmawati, F. (2025). *Enhancing critical thinking skills in poetry writing through nature-based learning method*. JETLEE, 5(1), 24–34.
- McLaughlin, M., & DeVogd, G. (2011). *Critical literacy as comprehension: Understanding at deeper levels*. In S. Graham, C. A. MacArthur, & J. Fitzgerald (Eds.), *Handbook of research on teaching the English language arts* (pp. 290–294). Routledge.
- Ministry of Education. (2011). *Fundamental transformation document of education*. Supreme Council of Education. [In Persian].
- Ministry of Education. (2011). *National curriculum document of the Islamic Republic of Iran*. Supreme Council of Education. [In Persian].
- Naqvi Azad, N., & Hamidi, Z. (2025). *Comparing traditional and modern methods of teaching Persian poetry in schools*. In *Proceedings of the Seventh National Conference on Professional Research in Psychology and Counseling with a Teacher's Perspective Approach*. [In Persian].
- Perjak, P. (2024). *The place of modern criticism in teaching contemporary Persian poetry*. In *Proceedings of the Eleventh National Conference: Latest in Positive Psychology*. [In Persian].
- Rahmanian, M. S., & Sabetzadeh, M. (2022). *Stylistics of short poetry after the Islamic Revolution: A case study of poems by five contemporary short poets*. *Stylistics of Persian Poetry and Prose (Bahar Adab)*, 15(4), 29–47. [In Persian].
- Rigi Kote, P., & Elahi, Z. (2018). *Causes of weakness of high school students in essay writing*. In *Proceedings of the 11th International Conference on Psychology and Social Sciences*. [In Persian].
- Roobahani, S., Alimi, M., & Qaleh Novi, Z. (2017). *Expression of social thoughts in the poems of Houshang Ebtehaj*. In *Proceedings of the 9th National Conference on Persian Language and Literature Research*. [In Persian].
- Vygotsky, L. S. (1978). *Mind in society: The development of higher psychological processes*. Harvard University Press.
- Yousefi Foladi, S., Kordan, M., Kermani, S., & Alishah, K. (2023). *Critical thinking for improving quality in education*. In *Proceedings of the First International Conference on Law, Management, Educational Sciences, Psychology and Educational Planning Management*. [In Persian].
- Zakaria, S. F., Tazijan, F., Mat, N. H. C., Lin, W. N. M., & Manap, M. R. (2025). *Exploring the role of literature in enhancing critical thinking and professional development*. *International Journal of Research and Innovation in Social Science*, 9(2), 4415–4422.